

مرحوم میرزا اسماعیل دولابی: قبل از فوت بمیرید!



مرحوم میرزا اسماعیل دولابی می‌فرمود: افراد زیادی هستند که مرده‌اند ولی دنیا را رها نکرده‌اند. در قبرو خاکند و هنوز این جا را رها نکرده‌اند. مگر نمی‌بینی که به خواب انسان می‌آیند که برای من نماز بخوان، روزه بگیر!

همشهری آنلاین: مرحوم میرزا اسماعیل دولابی می‌فرمود: افراد زیادی هستند که مرده‌اند ولی دنیا را رها نکرده‌اند. در قبرو خاکند و هنوز این جا را رها نکرده‌اند. مگر نمی‌بینی که به خواب انسان می‌آیند که برای من نماز بخوان، روزه بگیر!

به گزارش تسنیم، مرحوم میرزا اسماعیل دولابی می‌فرمود: دنیا از بین رفت و سبک شدی. خیالات و طبیعت هم از بین رفت. البته هنوز افراد زیادی هستند که مرده‌اند ولی دنیا را رها نکرده‌اند. در قبرو خاکند و هنوز این جا را رها نکرده‌اند. مگر نمی‌بینی که به خواب انسان می‌آیند که برای من نماز بخوان، روزه بگیر!

شما هم که یک هفته است مرحوم شده‌ای، تعجب نکن اگر من حرفی زدم و شما پرت شدید. باید صبر کنی. نگو چه دارد می‌گوید، مگر من مرده‌ام؟! بعضی از شماها شب اول است که آمده‌اید. هفته پیش نبودید. آنهایی هم که مرحوم شده‌اند بعضی را دفن کرده‌اند اما هنوز نمرده‌اند. در قبرند اما مردنی نبوده است. به شما گفتم قبل از فوت بمیرید.

بعضی را دفن کرده‌اند اما هنوز نمرده‌اند. هنوز آن جا می‌گویند: چه خاکی بر سرم کنم. پول‌هایم را چه کسی خورد؟ اگر می‌شد یک کاری می‌کردم. آن جا می‌خواهند از او حساب بکشند. اگر مرده بود حسابی نداشت. شما طوری می‌میرید که دیگر حساب برداشته می‌شود. حسابت را همین جا پس دادی.

اگر یکی از آنهایی که زنده هستند به شما بگویند: شما ما را گذاشتی و رفتی. ارثی برای ما نماند. می‌گویید: من هر چه داشتم گذاشتم و رفتم چیزی همراه نبردم. کسی نمی‌آید سر قبرتان بگوید: پول به ما بده! این جا هم قبرستان است. کسی چیزی از شما نمی‌خواهد. اگر بخواهد عقلش کم است.

کم‌کم این مطلب را تصدیق می‌کنی. لقمه یک مقدرا سنگین است. تا به حال نخورده‌ای یا کم خورده‌ای. اگر سنگین بود دو سه روزی صبر کن. بعضی از آنها که مرده‌اند آزادند. می‌آیند و می‌بینند شما چه کار کردید. می‌بینند از خودشان قشنگ‌تر این جا نشسته‌اند. آن وقت خوشحال می‌شوند و دعایتان می‌کنند.

می‌گویند: چه جای خوبی نشسته‌اید؛ از جای ما بهتر است. برای ما دعایی بکنید. مثل گنجشک‌ها می‌آیند لب این ایوان‌ها می‌نشینند ببینند بچه‌هاشان چه می‌کنند؛ کار خوب، نمازی، عبادتی. آیا رفیقند، مأنوسند و از همدیگر مسرورند؟ چون کار و بارش خوب است به سراغ این‌ها آمده است و گرنه نمی‌آمدند.

بعضی از آنها هم وقتی می‌بینند بچه‌هاشان غافلگیرند، پکر می‌شوند. اگر الان به این جا نگاه کنند می‌گویند: ما نمرده رفتیم و آن جا گرفتاری داریم و این‌ها مرده‌اند و هنوز نیامده‌اند. مثل شاخه شمشاد صورت‌ها برافروخته، همه خدا بین بودند. می‌روند به یکدیگر می‌گویند. لذا اگر یک مقدار وقت صرف کنی، قید دنیا را بزنی می‌ارزد.

کتاب طوبی محبت - ص 165 / مجالس حاج محمد اسماعیل دولابی